



## نقش جنسیت زبانی در ترجمه‌ها و تفاسیر قرآن

شهره شاهسوندی

تا قرن‌ها یعنی از آغاز تا همین اواخر، ترجمه قرآن مجید به زبان‌های مختلف نوعاً به صورت تحت‌اللفظی بوده است. این امر را می‌توان ناشی از دو انگیزه دانست: نخست آن که مترجمان به منظور حفظ اصالت معنا و الفاظ قرآن می‌ترسیده‌اند تا مبادا با دور شدن از نص و الفاظ قرآن، از مراد کلام الهی دور شده و از پیش خود چیزی بر آن افزوده باشند. دوم آن که به دلیل اطلاعات کم مترجمان از ساختارهای زبان قرآن و زبان مقصد به صورت مقابله‌ای، آنان با وسواس خاصی اصالت الفاظ را حفظ می‌کردند. به دلیل این تقید، ترجمه‌ها حالتی تحت‌اللفظی پیدا می‌کرده است. اما چون دو زبان مبدأ (زبان قرآن) و زبان مقصد دارای ساختار متفاوتی برای بیان معنا هستند و هر زبانی برای خود هویت و ساختاری مستقل دارد که به تمامی قابل انتقال به زبان دیگر نیست، ترجمه تحت‌اللفظی نمی‌تواند راهگشای برگردان قرآن کریم به زبان‌های دیگر باشد. ترجمه قرآن مجید را نمی‌توان جدای از قوانین و ضوابط حاکم بر فرآیند کلام آن بررسی کرد. قرآن کریم دارای آن چنان ایجاز، اعجاز معنوی و لفظی،

بلاغت و شیوایی است که آن را از سایر کتاب‌های آسمانی جدا می‌سازد. کتابی که در یک سوی آن خداوند سبحان است که به منظور هدایت انسان‌ها، مضامین عالیة الهی را در قالب کلام بشری نازل کرده است و در سوی دیگر آن مخاطبانی هستند که محدود به دوره و زمان خاصی نیستند. اکنون با گذشت چهارده قرن از زمان نزول قرآن و با توجه به این که مخاطبان کنونی آن مانند مسلمانان صدر اسلام جریان وقایع را درک نکرده‌اند و فاقد اطلاعات پیش زمینه‌ای و فرازبانی آنان هستند و با در نظر گرفتن این نکته که اسلام، دین خاتم است و برای هدایت بشر در تمام عصرها و نسل‌ها نازل شده است، چه راه‌ها و روش‌هایی را باید در ترجمه قرآن به کار بست تا برگردان آن برای تلاوت‌کنندگان قابل فهم باشد.

آن چه از مقایسه بین زبان‌های مختلف به دست می‌آید این است که نقش واژگان و دستور زبان در حاکمیت اشکال و الگوهای مختلف از زبانی به زبان دیگر متفاوت است و روابط نحوی بین اقسام کلمه در یک جمله توأم با ساخت واژگان مختص به آنهاست. این ویژگی‌ها پایه و اساس تقسیم‌بندی کلمات به مقوله‌های مختلف است که به صورت شمار، جنسیت، وجه... خود را در دستور زبان نشان می‌دهد.

مقوله جنسیت در زبان عربی به دو صورت مذکر و مؤنث وجود دارد و هر کدام از آنها نیز بر دو قسمند: حقیقی و مجازی. به طور کلی می‌توان گفت زبان عربی زبانی جنسیت‌دار است که تقریباً تمام اجزای یک جمله (اسم، فعل، صفت، انواع ضمائر) تحت روابط پیچیده مطابقت بر اساس جنسیت، شخص و شمار قرار دارند. یعنی اگر اسمی مذکر یا مؤنث (حقیقی یا مجازی) باشد فعل، صفت، یا ضمیر به کار رفته در جمله و یا متن متأثر از آن است. از طرف دیگر، در خطاب‌ها، هر جمله باید به یکی از دو صورت مؤنث یا مذکر اظهار شود و شق سومی وجود ندارد. آن چنان که در تداول عرب‌زبانان است از بین این دو وجه، وجه مذکر غلبه دارد و به اصطلاح نشان‌دار نیست، لذا کلام را با لفظ مذکر به کار می‌برند و آنجا که منظور عبارت، مذکر و مؤنث را شامل شود برداشت عام می‌کنند. یعنی اگر کلامی لفظاً مذکر است الزاماً تنها به مردان اشاره ندارد و زنان را نیز در بر می‌گیرد. قرآن کریم نیز از همین ساختار و رابطه پیچیده میان اجزاء کلام بهره برده است. لذا در پاره‌ای از آیات قرآن، لفظ، مذکر و مخاطب آن نیز مذکر است: *وقال الملك ائتونی به فلما جاءه الرسول قال ارجع*

إلى ربك . (يوسف، ۱۲/۵۰)؛ در پاره‌ای دیگر، لفظ، مذکر ولی مخاطب عام است و مذکر و مؤنث را شامل می‌شود: يا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ . (بقره، ۱۸۳/۲)؛ و در تعداد دیگری از آیات لفظ، مؤنث و مخاطب آن نیز مؤنث است: يا نساء النَّبِيِّ لَسْتِنَّ كَأَحدٍ مِنَ النِّساءِ . (احزاب، ۳۳/۳۲) و در صورت چهارم، لفظ مؤنث مجازی است و مخاطب آن عام: يا أَيُّهَا النَّفْسُ المَطْمَئِنَّةُ ارجعي إلى ربك راضية مرضية فادخلي في عبادي وادخلي جنتي . (فجر، ۸۹/۲۷ - ۳۰). آن چه در این بررسی اهمیت خاصی پیدا می‌کند آیاتی از قرآن کریم است که از لحاظ نحوی مذکر است اما مخاطب در آیه را می‌توان عام در نظر گرفت و یا آن را تنها به مردان محدود کرد. به عنوان نمونه می‌توان به آیات زیر اشاره کرد:

۱. يا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ . (بقره/ ۱۸۳)، الا ای اهل ایمان روزه بر شما هم فرض گردید چنان‌که امم گذشته را فرض شد. (الهی قمشه‌ای)

۲. يا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن مِّنْ أَزْواجِكُمْ وَأَوْلادِكُمْ عَدُوا لَكُم فاحذروهم . (تغابن، ۶۴/ ۱۴)، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بعضی از زنان و فرزندان‌تان دشمن شما هستند از آنها حذر کنید. (آیتی)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بعضی از زنان و فرزندان شما دشمنان شما هستند، از شر آنان حذر کنید (احتیاط کنید)، (کاوایان پور)

الا ای اهل ایمان (بدانید که) زنان و فرزندان شما هم برخی (که شما را از اطاعت و جهاد و هجرت در دین باز دارند و مخالفت کنند دشمن شما هستند از آنها حذر کنید) (و دل از محبتشان برکنید.)، (الهی قمشه‌ای)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید بعضی از همسران و فرزندان‌تان دشمنان شما هستند از آنها بر حذر باشید. (مکارم شیرازی)

در آیه اول جمله: يا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا از جمع مذکر برای مخاطب عام استفاده شده است و مترجم چه در انگلیسی و چه در فارسی در برگردان آن دچار مشکل نمی‌شود. اما يا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا می‌تواند بسته به معنای در نظر گرفته شده برای «ازواجکم» مخاطب عام را مورد خطاب قرار دهد یا مخاطب خاص یعنی مردان را. این که کدام واژه معادل ازواج در این آیه است را نمی‌توان تنها براساس مذکر بودن يا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا و ضمائر

«کم» در أزواجکم و اولادکم... و تنها بر پایه ساختار دستوری آیه تعیین کرد. زوج و جمع آن ازدواج از جمله واژه‌های چند معنایی است، که در آیات مختلفی از قرآن کریم و به معانی متفاوتی استعمال شده است:

۱. جفت: وإِنَّ خَلْقَ الرِّجَالِ مِنَ الذَّكَرِ وَالرِّجَالِ مِنَ النِّسَاءِ. (نجم، ۴۵/۵۳)

۲. شوهر: قد سَمِعَ اللّٰهَ قَوْلَ التِّجَادِلِکُمْ فِی زَوْجِہَا. (مجادله، ۱/۵۸)

۳. زن: فِیتَعَلَّمُونَ مِنْہُمَا مَا یَفْرَقُونَ بَیْنَ الرِّجَالِ وَرِجَالِہُمْ. (بقره، ۱۰۲/۲)

آنچه می‌تواند مترجم و یا مفسر را در انتخاب معنای ازواج باری دهد استفاده از روش تفسیر موضوعی و در نظر گرفتن آیه مذکور با دیگر آیات مربوط در قرآن است. به علاوه جنسیت دار بودن زبان عربی در سطح دستور زبان می‌تواند معنای اراده شده در سطح کاربردی و ارتباطی را تحت تأثیر خود قرار دهد. لذا، در آیه مذکور (تغابن/ ۱۴) اگر «یا ایها الذین آمنوا» لفظاً مذکر و مخاطب آن نیز مذکر باشد نمی‌توان آن را به «ای کسانی که ایمان آورده‌اید» و یا «ای اهل ایمان» ترجمه کرد. بدین ترتیب معادل آن «ای مردانی که ایمان آورده‌اید» است و معادل ازواج نیز زنان خواهد شد. و در صورتی که «یا ایها الذین آمنوا» - در همان آیه - لفظاً مذکر و مخاطب آن عام باشد، معادل آن «ای کسانی که ایمان آورده‌اید» خواهد شد. در چنین صورتی نمی‌توان ازواج را تخصیص زده و آن را به زنان در فارسی ترجمه کرد و انتخاب همسران به عنوان معادل می‌تواند از تخصیص زدن معنا جلوگیری کند. بنابراین، همان‌گونه که زنان می‌توانند مردان را از راه خدا بازدارند و مانع مهاجرت آنها در راه خدا و یا عبادات آنان گردند، مردان نیز طبق آیات متعدد قرآن می‌توانند مانع تکامل، مهاجرت و... زنان شوند. کم نبوده‌اند زبانی که از دست شوهران کافر خود مجبور به مهاجرت شده‌اند و یا در راه خداوند جان و مال خود را نثار کرده‌اند. (آل عمران/ ۱۹۵)

حتی اگر به مسأله جنسیت زبانی از دیدگاه قرآن نسبت به زنان نگاه نکنیم باز هم این مقوله می‌تواند ترجمه‌ها و تفسیرهای قرآن را مخدوش سازد. برای مثال آیه معروف تطهیر را در نظر بگیرید: یا نساء النبی لستن كأحد من النساء... إنما یرید اللہ لیذهب عنکم الرجس أهل البیت ویطہرکم تطہیراً. (احزاب، ۳۲/۳۳ - ۳۳)

ای زنان پیامبر، شما همانند سایر زنان نیستید (شما امتیازات بیشتری نسبت به آنان دارید) اگر خدا ترس و پرهیزگار باشید... خدا چنین می‌خواهد که هر گونه ناپاکی

را از شما اهل بیت نبوت دور سازد و شما را پاک و منزّه گرداند. (کاوایان پور)  
 ای زنان پیامبر، شما همانند دیگر زنان نیستید، اگر از خدا بترسید... ای اهل  
 بیت، خدا می خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را پاک دارد. (آیتی)

دیگر ترجمه ها، خرمشاهی، فولادوند، مکارم شیرازی و سایرین نیز در برگردان  
 این آیه موفق عمل نکرده اند. همان گونه که مشاهده می شود، مترجمان نتوانسته اند  
 تغییر مخاطب از مؤنث به مذکر را در ترجمه منعکس سازند و آیات ۳۲-۳۳ به گونه ای  
 ترجمه شده اند که گویی روی سخن با زنان پیامبر (ص) است. در زبان عربی، زمانی که  
 زنان به تنهایی مورد خطاب قرار گیرند از لفظ مؤنث استفاده می شود. اما با حضور  
 تنها یک مرد در گروه زنان، باید از لفظ مذکر استفاده کرد. تنها مترجمی که به این  
 تغییر خطاب عنایت داشته، الهی قمشه ای است اما او نیز نتوانسته آن را در ترجمه خود  
 منعکس سازد بلکه به صورت توضیح و در داخل پرانتز چنین می نویسد:

(ذیل آیه موافق اخبار شیعه و اهل سنت راجع به شخص پیغمبر، علی، فاطمه  
 و حسنین (ع) است و اگر راجع به زنان پیغمبر بود بایستی ضمیر مؤنث ذکر  
 شود و به سیاق جمله صدر آیه باشد.)

باید توجه داشت، توضیح ایشان خالی از خطا نیست و می توان ادعا کرد زنان  
 پیامبر هم می توانند جزء اهل بیت باشند زیرا ضمیر مذکر در این آیه در برگیرنده مذکر و  
 مؤنث است. البته از طریق آیات دیگر قرآن کریم می توان اثبات کرد که زنان پیامبر (ص)  
 از شمول آیه تطهیر خارج هستند.

بررسی های این رساله نشان داده است، مترجمان قرآن به زبان انگلیسی نیز  
 علیرغم آن که این زبان در مقوله ضمایر (نه در سایر موارد) جنسیت دار است، آنان نیز  
 مانند مترجمان زبان فارسی نتوانسته اند این مقوله دستوری را آن چنان که باید و شاید  
 در برگردان خود منتقل سازند. البته باید توجه داشت دشواری کار مترجمان فارسی  
 زبان به دلیل آن که زبان فارسی فاقد جنسیت دستوری است بیشتر از مترجمان انگلیسی  
 زبان است.

اگر از دیدی زبان شناختی به زبان قرآن و به طور کلی زبان عربی نگاه شود، مسأله  
 جنسیت الفاظ و غالب بودن وجه مذکر، امری ارزشی نیست: یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ  
 مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ.

(حجرات، ۱۳/۴۹)، بلکه ساختار زبان عربی این ترکیب خاص را در روابط بین اجزاء کلام ایجاد کرده است. با توجه به این نکات، مسأله در قالب پاسخ به سؤالات زیر بررسی شد: الف) زبان قرآن چگونه زبانی است؟ ب) چه نوع تفسیری مناسب ترین روش را برای درک معنای قرآن ارائه می دهد؟ ج) در مورد مقوله جنسیت، تا چه میزان قرآن از ساختار عربی بهره جسته است؟ د) تا چه میزان ساختار زبان عربی قرآن در خوانش متن و درک آیات الهی مؤثر است؟ و) در برگردان قرآن به زبان هایی که از قواعد جنسیت زبان عربی پیروی نمی کنند، چه ساختاری را باید به کار بست تا در مرحله برگرداندن مفاهیم به زبان دیگر، از تغییر معنای اصلی جلوگیری کرد؟

به منظور بررسی تأثیر مقوله های «جنسیت زبانی»، «شخص» و «شمار»، در زبان قرآن بر ترجمه ها و تفسیرهای قرآنی، ساختار این مقولات در زبان های عربی، فارسی و انگلیسی به صورت مقابله ای مورد بررسی قرار گرفت. سپس با در نظر گرفتن موارد کاربرد آنها در قرآن، ۵۲۰ آیه با معادل های موجود آنها در هفت ترجمه قرآن به زبان انگلیسی، یازده ترجمه فارسی و هفت تفسیر به زبان های عربی و فارسی مقایسه و مقابله شد. در این مقابله با استفاده از روش تفسیر موضوعی، زن از منظر قرآن و ترجمه ها و تفسیرها بررسی شد. جنبه های مختلف مطرح در ترجمه شناسی نظیر: ایهام، معنای تلویحی، کنشهای کلام، جغرافیای کلام، مصداق و معنا، تغییر مخاطب و غیره از جمله مواردی بودند که در مقابله مورد توجه قرار گرفتند.

نتایج به دست آمده حاکی از آن است که پایبندی اکثر مترجمان و مفسران به ظواهر الفاظ و نادیده انگاشتن فرهنگ زبان قرآن، در برداشت های آنان از کلام وحی تأثیر گذاشته است و در نتیجه گاه ترجمه های غلط، نارسا و یا گنگ ارائه کرده اند و گاه نظرات افراطی و دور از واقع در مورد دیدگاه قرآن درباره زبان ابراز داشته اند. در این رساله با نقد و بررسی نظرات زن گرایانه، (فمینیستی)، سعی شده است به دور از برداشت های زن گرایانه، به مقوله جنسیت زبانی و تأثیر آن در برگردان آیات قرآنی پرداخته شود.

با توجه به یافته های این رساله، پیشنهاد می شود امر خطیر ترجمه قرآن به صورت

گروهی انجام شود و در این گروه افراد با تخصص های مختلف در زبان شناسی قرآن، ترجمه شناسی، علوم قرآن، تاریخ اسلام و سایر تخصص های مورد نیاز با کمک یکدیگر به این مهم دست یازند. علاوه بر این، میزان تأثیر جنسیت زبانی، شخص و شمار بر درک خوانندگان ترجمه ها و تفسیرهای قرآنی می تواند با اجرای آزمون بر روی آنان مورد بررسی بیشتر قرار گیرد و این می تواند رساله ای دیگر باشد.\*

\* آنچه ملاحظه نمودید خلاصه ای از رساله دکتری این جانب است که به زبان انگلیسی نگاشته شده است. جهت رعایت اختصار، دو نمونه از مجموعه آیات بررسی شده به صورت اجمالی ارائه گردید.

